

یا فضل یدکرک المظلوم و یدشُرک بما نَزَل لک من القلم الأعلى فی هذا الکتاب المبین ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۷۷۱

حبیب مکرم جناب آقا میرزا ابوالفضل علیه بهاء الله گلیاگانی

هو الشاهد العلیم

یا فضل یدکرک المظلوم و یدشُرک بما نَزَل لک من القلم الأعلى فی هذا الکتاب المبین و یوصیک بذکره و ثنائه و تبلیغ امره العظیم هذا کتاب انزله الرحمن لمن فی الامکان لیبشّرهم بعنایة الله رب العالمین قل انه ظهر بالحق و اظهر ما اراد و دعا الملوک و المملوک الی الله الفرد الخبیر قل هذا یوم نطق بذکره کتب الله من قبل و انه سمی بیوم الله لو انتم من العارفین قل انه ظهر بالحق و استقرّ فیهِ مکلم الطور علی العرش الأعظم و ینادی الأمم و یدعوهم الی صراطه المستقیم من الناس من انکر حجّة الله و برهانه و افتری علیه بظلم مبین و منهم من وجد عرف المحبوب و اقبل الی الأفق الأعلى بسرعة سبق البرق المتحرّک اللامع السریع طوبی للذین ما منعهم شؤونات الهوی عن مالک الوری و نبذوا الدنیا عن ورائهم و تمسّکوا بالحکمة الّتی امروا بها من لدن قوی حکیم طوبی لک بما نطقت بالحکمة اذ سألک السائل عما اراد ان ربّک هو المعلم المحصی الخبیر

قل یا اهل البهّاء ایّاکم ان تخوّفکم شوکة الأسماء تمسّکوا بالمعروف و توکّلوا علی الله العزیز الحمید یا فضل آنچه بعد حاضر ارسال داشتی در ساحت اقدس معروض داشت لله الحمد که ترا موفق فرمود بر حکمت منزله در الواح نعم ما تکلمت به اذ سألک عما سأل جمیع دوستان باید آنچه از قلم رحمن نازل بآن ناظر باشند و بآن متمسّک انا امرنا الکّ بالحبّة الکبری طوبی لمن وجد عرف بیانی و اطّلع بما نَزَل فی کتابی المبین باید کل بکمال شفقت و مرحمت با عباد الله سلوک نمایند در این صورت اگر ظلمی بر آن نفوس مقدّسه وارد شود این منتها امل مقربین و مخلصین بوده و خواهد بود

بگو ای دوستان دنیا را شأنی نبوده و نیست لابدّ انسان از او مرور مینماید حال اگر باسم حقّ واقع شود بدوام ملک و ملکوت باقی و دائم خواهد ماند جمیع را تکبیر برسانید و بعنایات الهی بشارت دهید تا کل مسرور شوند و به ما اراده الله



ORIGINAL

عامل گردند از بعضی نفوس عزّت اخذ شد و این فقره در کتاب الهی از قلم اعلی ثبت شده هر منصف بصیری شهادت میدهد بر اینکه آنچه در ارض واقع شده ذکر آن از قبل نازل طوبی لعین رأّت و لأذن سمعت ویل للغافلین انشاء الله باید اهل الله بعین حدید و قلب قوی و رجل مستقیم بر امر الله قائم باشند و با عباد باخلاق روحانیّه رفتار کنند امروز اخلاق طیبّه و اعمال پسندیده ناصر امر الله بوده و خواهد بود و این فقره در مواقع متعدّده از قلم اعلی نازل از حقّ میطیلم کل بیابند و بآن عمل نمایند انتهى

و اینکه مرقوم داشتید از قبل آن جناب مناجات مذکور را عرض نمایم در وقت مخصوصی مجدداً تلقاء وجه عرض شد هذا ما نزل فی الجواب مرّة اخرى یا فضل انّ مولی الوری یدکرک لتشکر ربّک العزیز الوهاب قد حضر العبد الحاضر و عرض ما ناجیت به الله مالک الرقاب انا سمعنا و اجبتناک بهذا اللوح الذی جعله الله مطلع الحیوة لمن فی الأرضین و السموات انّک اذا وجدت عرف بیان الرحمن و سمعت ما تکلم به مکلم الطور فی اعلی المقام قم و قل

لک الحمد یا الهی و سیدی و مالکی و رازقی و معینی بما انطقتنی بذکرک و عرفتنی افکک الذی اعرض عنه اکثر الأنام اسألك بآیاتک الکبری و ندائک الأهل الذی ارتفع بین الأرض و السماء بأن تنزل من سماء جودک و سحاب رحمتک ما تطمئنّ به قلوب اودائک علی شأن لا تحوّفهم شؤونات العالم و سطوة الأمم انّک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العزیز العلام انتهى

اینکه مرقوم داشته بودید یکی از دوستان الهی از اشتغال احباً بصنعت اکسیر اظهار حزن نموده أنّه نطق بالحقّ فی الحقیقه حقّ با ایشانست در نهی این عمل الواح متعدّده از سماء مشیّت الهیه نازل و باطراف ارسال شد بسیار عجب است با نهی صریح باین عمل لایسمن و لایغنی مشغول شوند بعضی از نفوس در عراق و ارض سرّ از صنعت معروف مکتوم سؤال نمودند در جواب از سماء مشیّت رحمن نازل شد آنچه نازل شد بکرات این عبد از لسان مبارک اصغا نمود که فرمودند اگر سائلین حمل بر عجز و دون آن نمینمودند هرآینه کلمهئی در ذکر آن نازل نمیشد و مکرّر عباد را از عمل بآن نهی فرمودند نهیاً عظیماً فی الکتاب حسب الأمر آنکه آن جناب و اولیای امر بحکمت و بیان دوستان حقّ را از اشتغال باین عمل که فی الحقیقه سبب تضییع عمر است منع نمایند انتهى

در اکثر الواح میفرمایند اهل ارض را آگاه نمائید و به ما ینفعهم هدایت کنید امروز سماء ینش مرتفع و آفتاب دانش مشرق فرصت را مگذارید و وقت را غنیمت شمارید امروز روزیست که انسان قادر است مالک شود امری را که در غیر این یوم بخزائن ارض کلّها مالک نشود امروز اصغا مینمائید آنچه را که در غیر آن اصغای او ممکن نه جهد نمائید تا ذکر ابدی را مالک شوید اینست نصائح مشفقانه و مواعظ حسنة محبوب امکان انتهى

در باره نفوسی که در واقعه مذکوره مرقوم داشته بودید که باخذ و حبس مبتلا گشتند در مقام ارفع امنع اقدس عرض شد هذا ما نطق به لسان العظمة

هو الذّاکر المشفق العلیم

یا ابا الفضل ینادیک لسان الفضل من سجن عکّاء و یشّکر بعنایة ربّک مالک الأسماء اذا سمعت و فزت ان اشکر و قل لک الحمد یا اله العالمین انا نرید ان نذکر اولیاء الله الذین اخذوا و حبسوا من دون بینة و لا کتاب من الله العلیم الحکیم یا

احبّاء الرّحمن ان افرحوا بما يذكركم المظلوم بهذا الذّكر الذّي منه فاح عرف القميص بين السّموات و الأرضين قد حملتم في حبيّ ما لا حملة العباد من قبل يشهد بذلك قلم الله النّاطق العليم لا تحزنوا عمّا ورد عليكم قد ورد علينا ما ناح به اهل الفردوس الأعلى و الجنّة العليا و النّاس اكثرهم من الغافلين قد اخذونا مرّة بعد مرّة و حبسونّا كرّة بعد كرّة و أنّه في السّجن الأعظم امام وجوه العالم ينادى ويقول تالله قد ظهر يوم الله و نطق فيه الغيب المكنون و الكنز المخزون أنّه لا اله الا انا الفرد الخبير

ای دوستان بر شما وارد شده آنچه بر نفس حقّ وارد شده الحمد لله ظلم ننمودید و مظلوم واقع شدید در صدد اذیت نفسی نبودید و بمنته اذیت مبتلا گشتید از برای خلق بکمال شفقت از حقّ رحمت خواستید سطوت نعمت دیدید آزادی خواستید باسیری رفتید جمیع اشجار فردوس به طوبی لکم ناطق و اثمار به بشری لکم ذاکرا اگر از نفسی ظلمی ظاهر نشود و به غیر ما حکم به الله عمل ننماید آنچه بر او وارد شود فی سبیل الله آثار آن در ارض مثل علم علی الأتلال ظاهر و هویدا گردد یا احبّاء الرّحمن طوبی لکم بما صبرتم و لکم حسن المبداء و المآب چه قدر محبوبست بلایا در سبیل مالک اسماء و چه قدر باثمر است رزایا در ره دوست یگانه عمر الله سلطنت عالم باین مقام برابری ننماید و عزّت و ثروت امرا بآن معادله نکند چه بسیار از لیالی که وحوش و طیور و سباع در او کار و ایكات و غیاض خود مستریج بودند و شما در دست اعدا مبتلا وصیت این مظلوم آنکه این مقام بلند اعلی را از دست مدهید از شئون انسانیت در هیچ احوال خارج نشوید اخلاق و اطوار سباع و وحوش را باهلهش واگذارید بشنوید و نگوئید عطا نمائید و در صدد اخذ عطا نباشید انشاء الله امام وجوه هریک از شما علم عدل و رایت عقل مشاهده شود و البتّه از این اعمال پاک و اخلاق پاکیزه طاهره انوار عدل که از ظلم ظالمین محبوب و مستور است باسم الهی اشراق نماید اذاً ترون الأرض غیر الأرض و تنطق الذّرات بأعلى النّداء قد انار افق العدل بشمس ذکر ربّنا المقتدر الظّاهر السّميع البصیر

یا اهل صاد یا مهاجرین ارض صاد یا غربای ارض صاد یا اسرای ارض صاد قلم اعلی از شما غافل نشده در باره شما از او جاری شد آنچه که بحیات جاودانی مزین است آنچه بر حقّ بود ادا فرمود آنچه بر شماست حفظ این مقام است انشاء الله بکمال تقدیس و تنزیه و شفقت و عنایت و مهربانی مابین ناس ظاهر باشید هیچ عملی عند الله ضایع نشده و نخواهد شد نفوسی که از شما بافق اعلی صعود نمودند بعزّت و نعمتی فائزند که جمیع عالم از احصای آن عاجز و قاصرند یا اهل الصّاد ان استمعوا ما نطق به لسان العظمة من قبل و ينطق فی هذا الحین بما تقرّ به عیونکم و تفرح به قلوبکم أنّه هو العزیز الوهاب قد نزلت اسمائکم من القلم الأعلى فی الواح شتی یشهد بذلك مالک الأسماء اذ کان مستویاً علی عرش اسمه المختار قد ورد علیکم فی سبیل الله ما صاحت به الصّخرة و ناحت الجبال و الآكام قد اخذتکم الأحزان فی هذا الأمر سوف تجدون انفسکم فی فرح من لدن ربّکم العزیز العلام ان افرحوا بما يذكركم المظلوم و یبشّرکم بما قدر لکم من لدی الله مالک الأنام

و نذكر کلّ من صعد فی دیار الغریة اذ کان مهاجراً فی سبیل الله مالک الأرواح النّور المشرق من افق ارادة مالک الأسماء علیکم و علی الذّین قاموا علی نصره امر ربّهم بالحکمة و البیان اشهد انکم آمنتم بالله اذ کفر به کلّ مشرک مرتاب قد اقبلتم الی الأفق الأعلى و سمعتم نداء ربّکم مالک الأسماء و فزتم بالبلی اذ ارتفع نداء الله ربّ الأرباب طوبی لکم و لمن یذکرکم بعد صعودکم الی مقام انقطعت عنه اذ کار العباد کذلک دلح دیک العرش و هدرت حمامة العدل اذ احاطت الظلم من فی الآفاق انتهى

فی ۴ رجب ۱۲۹۸